

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر گسترش تشیع در نیجریه
حبیب زمانی محبوب^۱ رضا ادبی فیروزجائی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

چکیده:

نیجریه به عنوان یکی از کشورهای مهم قاره آفریقا، در چند دهه اخیر بستر نفوذ مذهب تشیع و مکتب اهل بیت(ع) در منطقه غرب آفریقا گشته است و هم اکنون، جمعیت چندمیلیونی نیجریه، این کشور را به یکی از کانون های شیعه تبدیل کرده است. نشانه ها حاکی از آن است که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹ میلادی تشیع روند رو به رشدی در نیجریه پیدا کرد. این نوشتار، بر این هدف است که با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، نقش و تأثیر انقلاب اسلامی ایران را بر رشد و گسترش مذهب تشیع در نیجریه بررسی نماید. یافته های تحقیق نشان می دهد انقلاب اسلامی ایران در کنار بیداری و خودآگاهی مسلمانان نیجریه، روند گرایش به تشیع را سرعت بخشید و شیعیان نیجریه را از یک اقلیت بسیار محدود به جمعیت چندمیلیونی فعال بدل ساخت. افزون بر اقدامات فرهنگی نظام جمهوری اسلامی، فعالیت های کم نظیر شیخ ابراهیم زکراکی، رهبر شیعیان نیجریه که متأثر از امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی است، مهمترین عامل گسترش تشیع در نیجریه محسوب می شود. او با الهام از امام خمینی(ره)، رهبر انقلاب اسلامی ایران، و در سایه تلاش های همیشگی و خالصانه، جامعه اهل سنت نیجریه را با عقاید شیعه آشنا ساخت و مسلمانان با تطبیق معارف این مذهب با آنچه در قرآن و منابع حدیثی مطرح شده بود، به تشیع گرویدند.

واژگان اصلی: نیجریه، شیعیان نیجریه، تشیع، شیخ ابراهیم زکراکی، انقلاب اسلامی ایران.

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

zamani1358@gmail.com

rf.adabi@gmail.com

۲. پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع)، تهران، ایران.

مقدمه

تا سال ۲۰۱۴م/۱۳۹۳ش از شیعیان نیجریه کمتر یاد می‌شد. تا اینکه در روز قدس سال ۱۴۳۵ (۲۵ جولای ۲۰۱۴ م. / سوم مرداد ۱۳۹۳) ارتش نیجریه به روی تظاهرکنندگان شیعه در زاریا^۱ آتش گشود و جمع بسیاری از جمله سه تن از فرزندان شیخ زکراکی را شهید کرد. با رسانه ای شدن این خبر همه نگاه‌ها به زاریا و جمعیت میلیونی شیعیان نیجریه دوخته شد؛ این تعداد شیعه چگونه و با چه اقدامات و تبلیغاتی در نیجریه پدید آمدند؟ رهبر شیعیان نیجریه دارای چه شخصیتی است؟ و مهم تر از همه، نقش انقلاب اسلامی ایران در گسترش تشیع در نیجریه تا چه مقدار است؟ این سؤالات ضرورت مطالعه و بررسی وضعیت شیعیان نیجریه را دوچندان می‌ساخت. پژوهش حاضر نیز در پی پاسخ به این سؤالات و معرفی دقیق و همه جانبه از شیعیان نیجریه انجام گرفته است. تاکنون تحقیق مستقل جامعی درباره همه ابعاد زندگی شیعیان نیجریه تدوین نشده است. البته این بدان معنا نیست که هیچ اطلاعاتی درباره شیعیان نیجریه موجود نبوده است. حتی در کتاب‌های فارسی مربوط به کشور نیجریه اطلاعات مختصری درباره شیعیان وجود داشت؛ چنانکه در کتاب-هایی نظیر جمهوری فدرال نیجریه نوشته معصومه نصیری (۱۳۸۹)، سرزمین و مردم نیجریه به قلم محمدرضا شکیبا (۱۳۸۸)، نیجریه سرزمین زبان‌ها و قومیت‌ها تألیف نوید رسولی (۱۳۸۵) و نقش بنیادین شیخ ابراهیم یعقوب زاکراکی در شکل‌گیری و توسعه تشیع در نیجریه تدوین امیربهرام عرب-احمدی (۱۳۹۷) صفحاتی را به شیعیان نیجریه اختصاص داده‌اند. نویسندگان برخی پایان‌نامه‌های دانشگاهی نیز اطلاعات مفیدی در اختیار خواننده قرار داده‌اند. وحید مرادی (۱۳۹۱) در *بازتاب انقلاب اسلامی بر اسلام‌گرایی در نیجریه، حسین مادرشاهی* (۱۳۹۴) در *بررسی سبک رهبری و شیوه‌های تبلیغی آقای ابراهیم الزاکراکی و مستانه منصوره پارسا* (۱۳۹۴) در *پایان‌نامه بررسی اوضاع فرهنگی و اجتماعی شیعیان نیجریه پس از انقلاب اسلامی ایران* اطلاعات مفیدی ارائه داده‌اند که در این پژوهش مورد توجه بودند. علاوه بر این باید از *نشریه نامه جامعه* یاد کرد که شماره ۱۱۹ خود را به نیجریه اختصاص داده است. حمیدرضا کردی (۱۳۹۴) نیز در مقاله خود با عنوان «شیعیان نیجریه (فرصت‌ها، تهدیدها، باورها)» اشاره‌ای به وضعیت شیعیان نیجریه داشته است. امیربهرام عرب‌احمدی (۱۳۹۷) نیز در کتاب *تقدیر بنیادین شیخ ابراهیم یعقوب زاکراکی در شکل‌گیری و*

^۱. Zaria

توسعه تشیع در نیجریه بر شخصیت شیخ زاکراکی، مناسبات او با دولت‌ها و قتل عام شیعیان نیجریه در سال ۲۰۱۵ م تمرکز کرده است. البته پژوهش‌گران انگلیسی زبان زودتر از مسلمانان، تحقیقات بر روی شیعیان نیجریه را آغاز کرده و کتاب‌ها و مقالاتی درباره شیعیان نیجریه و رهبر آنها یعنی شیخ ابراهیم زکراکی به رشته تحریر درآورده بودند که بخشی از منابع این پژوهش همین تحقیقات هستند. محمد داهيرو سلیمان،^۱ مختار عمر بونزا^۲ و عبدالرئوف مصطفی^۳ از جمله این پژوهشگران هستند. نوآوری نوشتار حاضر، افزون بر ارائه مطالب جدید و به روز درباره شیعیان نیجریه، بررسی نقش و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر رشد و گسترش تشیع در نیجریه است که در تحقیقات انجام شده کمتر به آن پرداخته شده است.

جمعیت شیعیان نیجریه

اطلاعات آماری مربوط به جمعیت در نیجریه چندان دقیق نیست^۴ و همچنین دولت نیجریه به منظور حفظ وحدت ملی این کشور از ارائه اطلاعات مربوط به جمعیت گروه‌های مذهبی خودداری می‌کند. از همین رو بیشتر ارقامی که در این زمینه وجود دارد برآمده از تحقیقات میدانی محدود مراکز پژوهشی و ادعای پیروان ادیان و مذاهب مختلف نیجریه می‌باشد. روزنامه نیوزویک در سال ۲۰۱۶ میلادی جمعیت این گروه مذهبی را سه میلیون نفر تخمین می‌زند (Oren Gruenbaum, 2016: 243)، در حالیکه مرکز تحقیقات پیو^۵ در سال ۲۰۰۹ میلادی اعلام کرد، شیعیان ۱۲ درصد از جمعیت مسلمان نیجریه را تشکیل می‌دهند، رقمی که دست کم سه برابر آمار ارائه شده روزنامه نیوزویک می‌باشد (Pew Research Center: 30). شیخ حافظ محمد سعید، رئیس مؤسسه حیدر نیز عددی میان ۶ تا ۷ میلیون نفر را به واقعیت نزدیکتر می‌داند (منصوری پارسا، ۱۳۹۴: ۷۸). گفته می‌شود ۹۵ درصد شیعیان

1. Muhammad Dahiru Sulaiman

2. MUKhtar Umar Buza

3. Abdul Raufu Mustapha

۴. کمیسیون ملی جمعیت نیجریه، در گزارش خود از سرشماری سال ۲۰۰۶م جمعیت کل این کشور را ۱۴۰ میلیون نفر اعلام کرد. اگر چه پس از سال ۲۰۰۶ میلادی سرشماری رسمی در نیجریه برگزار نشده است، با توجه به نرخ رشد جمعیت ۳/۲ درصدی، می‌توان جمعیت این کشور را تا سال ۲۰۱۸ میلادی حدود ۱۹۰ میلیون نفر تخمین زد.

5. Pew Research Center.

نیجریه پیش‌تر مذهب یا دین دیگری داشته و در سه دهه اخیر به مذهب تشیع گرویده‌اند. این افراد تحت عنوان مستبصرین شناخته می‌شوند (منصوری پارسا، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

حسین مادرشاهی با بیان کاستی‌های اطلاعات آماری در نیجریه، با توجه به مشاهداتش الگوی دیگری برای بیان جمعیت شیعیان نیجریه ارائه کرده است. وی جمعیت شیعه را به سه دسته تقسیم می‌کند: دسته اول کسانی هستند که مدتی در فضای تشیع زندگی کرده و احکام فقهی و اعتقادات کلامی شیعه آشنایی دارند. به عقید او تعداد این دسته از شیعیان از دو میلیون نفر فراتر نمی‌رود. دسته دوم نیز کسانی هستند که قبلاً مسلمان سنی مذهب بوده و تازه شیعه شده‌اند و با درک تفاوت احکام و عقاید شیعه و سنی در حال یادگیری معارف مذهب تشیع هستند. با در نظر گرفتن این گروه جمعیت شیعیان حداکثر به هشت میلیون نفر می‌رسد. دسته سوم نیز شامل کسانی می‌شود که برای سران جنبش اسلامی نیجریه،^۱ بویژه برای آقای زکراکی احترام خاصی قائل هستند^۲ و مسائل مختلف خصوصاً در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی از او پیروی می‌کنند و به تعبیر یکی از نمایندگان زکراکی می‌توان این دسته را اهل تسنن شیعه نامید. با اضافه کردن این دسته، جمعیت شیعیان فراتر از ۱۲ میلیون نفر خواهد رفت (مادرشاهی، ۱۳۹۳: ۹۰-۹۱).

شیعیان در بسیاری از مناطق نیجریه حضور دارند. شهرهای کانو^۳ و زاریا در شمال نیجریه مهمترین مراکز تجمع شیعیان محسوب شده و شهرهای کاتسینا، سوکوتو، بائوچی و کادونا دیگر مناطقی شمالی نیجریه هستند که شیعیان حضور پررنگی در آنها دارند. علاوه بر این پیروان این مذهب در ایلورین^۴ و لاگوس^۵، از شهرهای جنوبی نیجریه نیز سکونت دارند (منصوری پارسا، ۱۳۹۴: ۱۱۲-۱۱۳).

۱. جنبش اسلامی نیجریه یا الْحَرَكَةُ الْإِسْلَامِيَّةُ فِي نِيجِيرِيَا عنوان جنبش شیعیان نیجریه است که رهبری آن را شیخ ابراهیم زاکراکی بر عهده دارد. این جنبش فعالیت‌های مختلف آموزشی و اجتماعی به شیعیان نیجریه ارائه می‌دهد و مقر رهبری آن در زاریا است.

۲. شیخ زکراکی دلیل افزایش جمعیت شیعیان را اینطور بیان می‌کند: «مردم به جنبش اطمینان دارند، چون مشاهده می‌کنند که سخنان مطرح شده توسط فعالان جنبش با فعالیت‌های آنان منطبق است. مردم پس از این اعتماد به جنبش ملحق می‌شوند» (مادرشاهی، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

3. Kano

4. Ilorin

5. Lagos

۱۱۳). سختگیری نیروهای دولتی و افراد وابسته به مذاهب مختلف سبب تا شیعیان در جنوب نیجریه به تقیه روی آورده و از ابراز آشکار عقایدشان خودداری کنند (Tore Refslund Hamming, 2014: 36).

پیشینه حضور شیعیان در نیجریه

اطلاع دقیقی از پیشینه مذهب تشیع در نیجریه در دست نیست. با وجود این اطلاعات حداقلی، می‌توان حضور تشیع در نیجریه را پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز رصد کرد؛ چرا که پیش از این تاریخ، اتباع لبنانی که به منظور فعالیت اقتصادی وارد این کشور بودند مذهب تشیع را با خود به ارمغان بردند (Onapajo, 2017: 3). از اواسط قرن نوزدهم میلادی، افزایش مهاجرت مهاجران لبنانی به غرب آفریقا افزایش یافته است. شواهد نشان می‌دهد که اولین لبنانی‌ها بین سال‌های ۱۸۷۶ و ۱۸۸۰ وارد سنگال شدند (Olaniyi & Ajayi, 2014, p. 132). به رغم اختلاف نظرها، بیشتر پژوهشگران معتقد لبنانی‌ها برای اولین بار در سال ۱۸۹۰ میلادی قدم به نیجریه گذاشته و در جنوب این کشور ساکن شدند (Olaniyi & Ajayi, 2014: 132).

البته، تمامی این مهاجرین شیعه و پیرو مذهب واحدی نبودند. مسیحیان پیرو کلیسای ارتدوکس یونان یا کلیسای مارونی بودند و مسلمانان نیز پیرو مذاهب تشیع، تسنن و فرقه صوفی احمدیه (Toyin Falola, 1998: 526). در ۱۹۶۲ م / ۱۳۴۰ ش مسلمانان ۴۰ درصد از جمعیت لبنانی‌های ساکن در نیجریه را تشکیل می‌دادند که از میان ۹۰ درصد شیعه و مابقی از اهل تسنن بودند (Winder, 1962: 305). در سال ۲۰۰۸ م / ۱۳۸۷ ش، اداره مهاجرت نیجریه تعداد لبنانی‌های ساکن این کشور را سی هزار نفر اعلام کرد که بیشتر آنها سومین نسل حاضر در نیجریه هستند. لبنانی‌ها که عموماً تابعیت نیجریه‌ای هم دارند از درآمیختن با مردم بومی پرهیز داشته و از هم‌مین رو کوششی در نشر

۱. احمدیه فرقه‌ای کوچک در نیجریه است که بیشتر پیروان آن را مسلمانان وابسته به گروه قومی یوروبا (Yoruba) تشکیل می‌دهند. این فرقه در قرن نوزدهم میلادی توسط احمد قادیانی در هند پایه گذاری شد و از همین رو قادیانه نام گرفت. قادیانه پس از قدم نهادن در خاک آفریقا احمدیه نام گرفت و با اینکه رهبران آن مدعی اسلامی بودن این فرقه هستند، دارای عقاید گمراه‌کننده‌ای می‌باشد. فرقه یادشده برای خود مدارس، انستیتوها و بیمارستان‌های خاصی دارد که از طریق آنها به تبلیغ خود می‌پردازد. (شیخی، ۱۳۷۰: ۱۳۱).

معارف اسلامی نداشته و بیشتر به تجارت و امور اقتصادی مشغول هستند (Olaniyi & Ajayi, 2014: 146-147).

انقلاب اسلامی و رونق تشیع در نیجریه

تحقیقات نشان می‌دهد افزون بر مهاجرت لبنانی‌ها، رواج گرایش صوفیانه و محبت به اهل بیت، تشکیل خلافت اسلامی توسط عثمان دان فودیو^۱ در قرن نوزدهم، جامعه چندفرهنگی نیجریه و تعهد شیعیان و نوشیعیان به گسترش معارف و مذهب اهل بیت از عوامل بستر ساز برای نفوذ شیعه در میان مسلمانان نیجریه محسوب می‌شود؛ ولی در کنار این عوامل، پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران در ۱۳۵۷ تأثیر چشمگیری در گسترش مذهب تشیع در نیجریه داشته و جمعیت شیعه روند رو به رشدی در نیجریه پیدا کرد (Onapajo, 2017: 3). طنین آرمان‌های انقلاب اسلامی بلافاصله پس از پیروزی مرزهای جغرافیایی را در نوردیده و با عبور از منطقه غرب آسیا، در میان ملت‌های مسلمان آفریقایی از جمله نیجریه شنیده شد (Dahiru Sulaiman, 1993: 186). چنانکه که جوزپ زن^۲ اشاره کرده است، خارج از خاورمیانه هیچ‌کجا بیشتر از شمال نیجریه از ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران متأثر نشده است (Jacob Zenn, 2013: 14). شعارهایی نظیر تشکیل حکومت اسلامی، آزادسازی قدس، سرکوب دشمنان اسلام و رفع ظلم از ملت‌های مستضعف سبب شد تا جوانان زیادی جذب این انقلاب و بنیان فکری آن شوند (عمر موسی، ۱۴۳۰: ۴۱-۵۰).

تأثیر انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) بر گسترش تشیع در میان مردم نیجریه به قدری زیاد و گسترده بوده که پیروان این مذهب در نیجریه با عنوان «خمینون» شناخته می‌شوند (منصوری پارسا، ۱۳۹۴: ۸۶). در واقع رهبری امام خمینی (ره) و فکر انقلاب اسلامی در جامعه نیجریه به ویژه در میان مسلمانان محروم شمال این کشور واکنش‌هایی را برانگیخته و احیاگری اسلامی در ایران تأثیر مستقیمی بر قیام‌های اسلامی در آنجا داشته است. رهبران محلی از جمله شیخ زکراکی نسخه طراحی شده در ایران را در جهت پوشش بخشیدن به مبارزه علیه فساد فزاینده و مادی‌گرایی بیش از حد تشکیلات سیاسی نیجریه ماهرانه به کار گرفتند (گامباری، ۱۳۸۲: ۳۱۰). یعقوب یحیی، نماینده

1. Uthman dan Fodio

^۲. جوزپ زن یکی از اعضای امور آفریقا در بنیاد جیمز تاون و استادیار دانشگاه جرج تاون در آمریکا است.

شیخ زکراکی در کاتسینا^۱ درباره تأثیر انقلاب اسلامی در نیجریه می‌گوید: «انقلاب اسلامی اعتماد مسلمانان به دینشان را بازگرداند و مسلمانان را از هر گروه و فرقه‌ای با هم متحد کرد» (منصوری پارسا، ۱۳۹۴: ۹۹-۱۰۰).

برخی از شخصیت‌های نیجریه تحت تأثیر تبلیغات جمهوری اسلامی ایران و با آگاهی از اهداف انقلاب اسلامی خود را شیفته مدل سیاسی شکل گرفته در ایران معرفی می‌کردند، گرچه به لحاظ مذهبی همچنان به مذهب اهل تسنن وابسته بودند. شیخ ابوبکر جبریل، امام جمعه فارفارو^۲ در خطبه‌اش گفت: «ما به لحاظ سیاسی با ایران و از نظر عقیدتی با عربستان سعودی همراه هستیم» (Bunza, 2005: 229).

طنین انقلاب اسلامی در نیجریه توسط اعضای انجمن دانشجویان مسلمان شنیده شد. این انجمن مسلمان توسط جوانان مسلمان یوروبایی در جنوب نیجریه، با این احساس که به خاطر وابستگی مذهبی خود مورد ظلم قرار گرفته‌اند، پایه‌گذاری شد. مسیحیان در ۱۹۵۴ میلادی تصمیم گرفتند دانشجویان مسلمان را از دانشگاه‌ها و مدارس که تحت نظارت خودشان بود اخراج کنند (AbuBakir Tajudeen, 1984: 4). برخی دانشجویان مسلمان در یک عقب‌نشینی و برای جلوگیری از اخراج از دانشگاه تصمیم گرفتند مراسم مذهبی را غیرعلنی برگزار کرده و اسم اسلامی خود را به کار نبرند (Ousmane Kane, 2003: 73). در چنین شرایطی، چهل دانشجوی مسلمان از هفت مدرسه متوسطه مختلف، به نمایندگی از همکلاسی‌هایشان، در ۱۷ آوریل ۱۹۵۴ میلادی نشستی در لاگوس (Lagos) برگزار کرده و تشکیل انجمن اسلامی دانشجویان را رسماً اعلام کردند. رهبری این تشکل را بابز فافونو برعهده داشت که بعدها وزیر آموزش نیجریه شد (Joseph Kenny, 1996: 344). انجمن دانشجویان مسلمان که در هنگام تأسیس صرفاً تشکلی برای بیان عقاید مؤسسان و اعضای وابسته به آن در جنوب نیجریه بود، در دهه هفتاد و هشتاد میلادی به یک تشکل اسلامی تمام‌عیار در شمال کشور بدل شد و رهبری بسیاری تحرکات دانشجویی را در دانشگاه‌ها برعهده گرفت. انجمن در دهه ۱۹۹۰ میلادی شاهد یک انشقاق بود. عده‌ای از دانشجویان تحت تأثیر تبلیغات عربستان سعودی از این تشکل جدا شده و گروهی با عنوان دعوت را تشکیل داده و به تبلیغ عقاید خود پرداختند. امین الدین ابوبکر رهبری این جریان را برعهده داشت. گروهی

1. Katsina
2. Farfaru

دیگر نیز متأثر از انقلاب اسلامی ایران گروه امت را بنیان نهادند و ترویج شریعت و تشکیل یک دولت اسلامی را پیگیری می‌کردند. در ادامه، گروه امت نیز دچار دو دستگی شد؛ شاخه‌ای با عنوان حدیبیه همراهی با دولت را به مخالفت با آن ترجیح داد؛ شاخه دیگر شیعیان بودند که انقلاب اسلامی ایران را الگوی فعالیت‌های آینده خود قرار دادند (Conerly Casey, 2008: 77). تشکیل حکومت اسلامی مهمترین نقطه اشتراک انقلاب مردم ایران با این شاخه از انجمن دانشجویان مسلمان بود. علاوه بر این پیروزی این انقلاب به الگوی عملی اعضای این طیف تبدیل شد (منصوری پارسا، ۱۳۹۴: ۸۰).

تلاش‌های زکراکی رهبر شیعیان نیجریه

شیخ ابراهیم زکراکی حلقه وصل انقلاب اسلامی ایران و انجمن دانشجویان مسلمان و به تبع آن توده مردم نیجریه بود. ابراهیم یعقوب زکراکی در سال ۱۹۵۳ میلادی در محله کواربای^۱ در شهر زاریا به دنیا آمد. اجدادش در کنار پیشه کشاورزی، معلم قرآن و فقه بودند. زکراکی خود را اصالتاً از مردم مغرب می‌داند و بر این باور است که نیاکانش از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) بوده‌اند. اطلاعات زیادی از دوران کودکی و نوجوانی او در دست نیست. او قرآن را نزد پدرش فرا گرفت و در ده سالگی حافظ قرآن بود. وی پس از اتمام دوره دبیرستان برای تحصیل در رشته اقتصاد وارد دانشگاه احمد بلو شد. تحصیل در دانشگاه زمینه پیوستن او به انجمن دانشجویان مسلمان را فراهم کرد. زکراکی به مرور به عنوان یکی از اعضای فعال شناخته شده و به یکی از سران آن بدل شد و در کنار فعالیت‌های تبلیغی به مبارزه با مظاهر غیر اسلامی در دانشگاه احمد بلو زاریا پرداخت. او به عنوان معاول بین الملل انجمن دانشجویان به کشورهای مختلف سفر و با رهبران مسلمان دیدار کرد (عرب احمدی، ۱۳۹۷: ۵۵-۵۷). زکراکی توسط یکی از اساتید خود با امام خمینی (ره) (ره) آشنا شده و در ۱۹۸۰ میلادی در اولین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به ایران دعوت شد (کردی، ۱۳۹۴: ۱۱۷). زکراکی در این دیدار از امام (ره) می‌خواهد که وی را نصیحت برای موفقیت در فعالیت‌هایش مشاوره دهد. حضرت امام (ره) قرآنی به ایشان هدیه می‌دهند و می‌گویند: «شما براساس این کتاب عمل کنید تا موفق شوید» (قاسمی، ۱۳۹۴/۱۰/۲۸).

در اواسط دهه ۱۹۷۰، اختلاف در بینش مذهبی، مشکلات اقتصادی، فساد اقتصادی و مشکلات

۱. Kwarbai

سیاسی ناشی از حکومت نظامیان برخی از اعضای انجمن دانشجویان مسلمان از جمله ابراهیم زکراکی را - با این ایده که تنها راه حل مشکلاتی که نیجریه با آن مواجه بود بازگشت به اسلام و اجرای کامل دستورات آن است - به دامن اسلام سیاسی سوق داد. از طرف دیگر این شکل به نوعی وابسته به جمعیت نصر الاسلام^۱ بود و از ظرفیت مناسب برای فعالیت سیاسی در دانشگاه‌ها و جامعه نیجریه برخوردار نبود (Soares & Otayek, 2007: 16). از همین رو و به مرور زمان، این دانشجویان به دو گروه تقسیم شدند: عده‌ای تحت تأثیر تبلیغات جریان وهابی-سعودی گروه دعوت را شکل داده و بیشتر به کارهای تبلیغی پرداختند و عده‌ای دیگر از جمله زکراکی با الهام از انقلاب اسلامی ایران تحت عنوان گروه امت خواهان اجرای قانون شریعت و ایجاد حکومت اسلامی شدند (Ousmane Kane, 2003: 94-95). این گروه خود را عضو سازمان خاصی ندانسته و تنها به قوانین اسلام ملتزم بودند و همچنین افراد فارغ از جنسیت، مذهب و قومیت خود می‌توانستند به عضویت آن درآیند (Adam Modibbo, 2012:12). اعضای این گروه معتقد بودند، مسلمان واقعی نمی‌تواند نظام سکولار را بپذیرد (منصوری پارسا، ۱۳۹۴:۸۲) و یک جنبش اسلامی باید متعلق به همه مردم باشد نه یک صنف خاص (Tsiga & Adamu, 1997: 79). زکراکی پس از ملاقات امام خمینی (ره) شیفته او شده و به تشیع گروید (عرب احمدی، ۱۳۹۷: ۵۸).

۱. جمعیت نصرالاسلام در ۱۹۶۳ میلادی با ۴۶ عضو از میان ملام‌ها (معلم علوم دینی) در کادونا تأسیس شد. این ۴۶ نفر شامل ۱۸ نفر از علمای ایالات سوکوتو و کانو، ۱۵ نفر از طریقت‌های قادریه، تیجانیه و مهدویه مابقی اعضا نیز مستقل بودند (Chukwunedum Ufodike, 2014: 146). از اهداف جمعیت مذکور موارد زیر را می‌توان به تبلیغ اسلام در میان قبایل مسیحی و پیروان آیین‌های بومی، تأکید بر هوشیاری اسلامی و حفظ وحدت مسلمانان، تنظیم روش‌ها و قوانین اسلامی در ارتباط با مدراس و دانشگاه‌ها و همچنین انتشار اصول و مفاهیم اسلامی و تفهیم آنها به مسلمانان اشاره کرد. این جمعیت علاقه چندانی به دخالت در امور سیاسی از خود نشان نمی‌دهد، مدراس و آموزشگاه‌های اسلامی متعددی تأسیس کرده است که به اداره آنها مشغول می‌باشد؛ در حقیقت، جماعت نصرالاسلام از مهمترین سازمان‌های اسلامی مؤثر و تصمیم‌گیرنده در مسائل دینی و اسلامی نیجریه است که تقریباً تمامی نهادها و سازمان‌های اسلامی دیگر را تحت پوشش می‌دهد. رهبری این جمعیت نیز تا قبل فوت ابوبکر گومی با خود وی بود و اعضای آن نیز از میان امراء و نمایندگان او در ایالت‌های شمالی انتخاب می‌شده‌اند. در حال حاضر سلطان محمد ماچیدو ریاست کل جماعت نصر الاسلام را برعهده دارد (رسولی، ۱۳۸۵: ۹۶-۹۷).

این سخن زکراکی درباره امام خمینی (ره) نشانه دهند میزان ارادت وی به امام خمینی (ره) (ره) است: «او رهبر همه زمان‌هاست... جهان می‌تواند یک خمینی (ره) داشته باشد. امام (ره) هدیه خداوند به جهان بود و جهان به تعالیم و اندیشه‌های خمینی (ره) نیازمند است» (منصوری پارسا، ۱۳۹۴: ۹۶).

با وجود علاقه شیخ زکراکی به انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره)، او برای جلب نظر دیگر مسلمانان براساس اصل تقیه، جلوه شیعی جنبش را کم رنگ جلوه داد تا جایی که جنبش خود را، با پسوند «اسلامی»، و اعضای آن را «اخوان المسلمین»^۱ نام نهاد (Jacob Zenn, 2013: 13-18). با این حال، عقیده سیاسی خود را پنهان نکرده و به صراحت از دلبستگی خود به انقلاب اسلامی ایران سخن می‌گفت (Hassan, 2015: 25). چنین رویکردی سبب شد تا برخی پژوهشگران از عنوان شیعه سیاسی را برای این گروه استفاده کنند. محمد شقرون ضمن معرفی مختصر گروه‌های اسلامی نیجریه، درباره این گروه می‌نویسد: «گروه‌هایی که مثل آنچه [انقلاب اسلامی] در ایران روی داده بود نظام سیاسی حاکم را رد کرده و به برپایی دولت اسلامی فراخواندند. مثل شیعه. شاید شیفتگی آنها به امام خمینی (ره) و ارتباط با سفارت ایران این نام را تفسیر کند، بدون اینکه این گروه حقیقتاً شیعه باشند» (شرفی و نصری، ۱۳۹۶: ۴۳۵). در همین مقطع یعقوب یحیی، یکی از اعضای ارشد جنبش و نماینده شیخ زکراکی در کاتسینا در اظهار نظری درباره جنبش می‌گوید: «ما شیعه نیستیم. ما مسلمان هستیم. ما هیچ ارتباطی با عناوین دیگر نداریم. هر کجا که جنبشی برای حرکت در مسیر اسلام شکل می‌گیرد آنها سعی می‌کنند با انگ زدن به آن مردم را از پیوستن به این جنبش‌ها بازدارند. من می‌دانم یهود تلاش دارد تا مسلمانان را به گروه‌های مختلف تقسیم کند» (Dahiru Sulaiman, 1993: 187).

زکراکی با حضور در دانشگاه‌های نیجریه از طریق سخنرانی و پخش فیلم و عکس درباره ایران و انقلاب اسلامی دانشجویان را به عضویت در جنبش اسلامی دعوت می‌کرد. زکراکی از طریق این فعالیت‌ها توانست جوانان بسیاری را از شهرهای زاریا، کانو و سوکو تو جذب جنبش کند. شعار این جنبش «فقط اسلام» و پشت کردن به قانون اساسی بود (Dahiru Sulaiman, 1993: 189). شیخ زکراکی در مصاحبه شبکه CNN هدف جنبش اسلامی را بازگرداندن امت اسلامی به آموزه‌های اسلام و سنت پیامبر اعلام می‌کند (مرادی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). زکراکی در دهه ۱۹۸۰ میلادی به خاطر مواضع سیاسی‌اش علیه دولت نیجریه دو دوره چهار ساله را در زندان گذراند.

1. Muslim Brothers

به رغم تقيه، مبلغان جنبش در سخنرانی‌ها و کلاس‌های خود ضمن آموزش معارف اسلامی، به معرفی شیعه و اعتقادات آن می‌پرداختند (مادرشاهی، ۱۳۹۴: ۲۰۹). سرانجام زکراکی در سال ۲۰۰۰ میلادی و پس از آزادی از زندان به خاطر مشی سیاسی‌اش، در روز عید غدیر در میان مردم تشیع خود را به صورت علنی اعلام کرد (مادرشاهی، ۱۳۹۴: ۲۱۷). البته اعضای جنبش از ۱۹۹۴ میلادی به بعد مناسک دینی خصوصاً نماز را بر اساس فقه شیعه انجام می‌دادند (Bunza, 2005: 230). همین امر زمینه ساز انشعاب در جنبش شد. در همین سال، ابوبکر مجاهد که از پررنگ شدن جلوه شیعی جنبش و نزدیکی آن به ایران رضایت نداشت، با جدا شدن از شیخ زکراکی گروهی با عنوان «جماعت تجدید اسلامی» در کانو تأسیس کرد (Abdul Raufu Mustapha, 2014: 74). ظاهراً جماعت تجدید از پیروان چندانی برخوردار نبوده و پژوهشگران نیز توجه چندانی به آن ندارند.

تلاش‌های همیشگی و خالصانه شیخ زکراکی در آشنایی جامعه اهل سنت نیجریه با عقاید شیعه و تطبیق معارف این مذهب با آنچه در قران و کتاب‌های حدیثی اهل سنت مطرح شده یکی از عوامل مهم در ترویج تشیع در نیجریه محسوب می‌شود. شیخ همواره تلاش می‌کرد افراد را نه با زبان بلکه با اخلاق و زندگی بی‌آلایش میان توده‌های مردم را جذب تشیع و جنبش کند (کردی، ۱۳۹۴: ۱۱۹). او با صبر و خستگی‌ناپذیری به تبلیغ می‌پرداخت و به یک گروه خاص محدود نمی‌شد و همواره در مجامع دانشگاهی، کلیسا و مدارس حضور می‌یافت (مادرشاهی، ۱۳۹۴: ۱۷۶). به اعتقاد اعضای جنبش اسلامی زکراکی همه وجودش را وقف اسلام کرده است. گرچه برخی اسلام را برای دنیای خود استفاده می‌کنند اما ایشان هرچه دارد فدای اسلام می‌کند و مشکلات فراوانی را در این راه تحمل کرده است؛ چهار پسرش توسط ارتش نیجریه کشته شدند و خودش نیز بارها طعم زندان را چشیده است. وی آخرین بار از دسامبر ۲۰۱۵ / ۱۳۹۴ ش به این سو و به دنبال تهاجم پلیس به اقامتگاه وی در ایالت «کادونا» در شمال نیجریه به زندان افتاد و چهار سال در سخت‌ترین شرایط در بند حکومت نیجریه بود.

بی‌گمان، یکی از مصادیق بارز پذیرش پیام انقلاب اسلامی و گسترش آن در میان شیعیان نیجریه این است که شیعیان همانند رهبران شیخ زکراکی، با وجود فشارهای حکومتی همواره علاقه مندی و وفاداری خود را به انقلاب اسلامی و خاصه امام خمینی (ره) ابراز داشته‌اند و این امر از پرچم و پلاکاردهای مورد استفاده شیعیان در راهپیمایی‌ها مشخص است.

اقدامات جمهوری اسلامی در رونق تشیع

انقلاب اسلامی بازتاب‌های مثبتی بر رونق جامعه شیعیان نیجریه داشته است؛ از جمله:

۱. انتقال شیعیان از حاشیه به متن در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی
۲. گرایش پژوهشگران و اسلام‌شناسان به شناخت بیشتر تشیع
۳. گرایش پیروان ادیان و مذاهب گوناگون به تشیع
۴. ایجاد روحیه انقلابی و الگو برداری از انقلاب اسلامی در تقابل با استکبار جهانی
۵. پیدایش موج‌هایی از اسلام سیاسی در میان شیعیان که خواهان بخش و یا تمامی حکومت هستند (محمدی، ۱۳۸۸: ۵۶).

در کنار نفوذ انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران از طریق اقدامات مؤسسات وابسته به خود تأثیر بسزایی در بسط فرهنگ اسلامی-ایرانی، ترویج تشیع و حمایت از شیعیان در نیجریه داشته است. این مؤسسات عبارتند از: رایزنی فرهنگی، حوزه علمیه قم، جامعه المصطفی، مجمع جهانی اهل بیت و مجمع تقریب بین المذاهب. این مؤسسات با برنامه‌های مختلف به ترویج تشیع پرداخته‌اند. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های این مؤسسات دایر کردن مدارس شیعی در شهرهای مختلف نیجریه می‌باشد. مؤسسه اهل‌البیت نخستین مؤسسه از این دست است که در سال ۱۹۹۱ میلادی زیر نظر حوزه علمیه قم تأسیس شده است. مدیریت این مرکز به عهده مدیران ایرانی بوده که آموزش ابتدایی کسانی که شیعه شدند را برعهده داشت. این مرکز در ابتدای فعالیت خود ۴۰ طلبه از شهرهای مختلف را پذیرش کرد و به تدریج بر تعداد طلاب خود افزود. فعالیت‌های مؤسسه اهل‌البیت تا ۱۹۹۸ میلادی ادامه داشت. در این سال اعزام مدیران ایرانی به این مرکز متوقف شد (آفاق ۴۹): حوزه علمیه اهل‌البیت نیجریه، ۲۱-۲۵).

از سال ۲۰۰۲ میلادی مدرسه علمیه اهل‌البیت با نام جدید «مرکز آموزش فرهنگی تقلین» و با ریاست حجت الاسلام بدیعی و مدیریت شیخ حافظ محمد سعید در کانو بازگشایی شد. این مرکز با برگزاری کلاس‌های احکام و عقاید امامیه و ضبط و نشر آنها بوسیله سی‌دی گام بلندی در راستای آشنایی بیشتر شیعیان نیجریه با معارف تشیع برداشت. هم‌اکنون مطرح‌ترین چهره این مؤسسه شیخ حمزه لاوال است و سطوح آموزشی این مرکز شامل دوره‌های کاردانی و کارشناسی است. مرکز تقلین مدارس تابعه بسیاری نیز در شهرهای گوناگون نیجریه دارد. از سال ۲۰۱۰ میلادی جامعه المصطفی با مدیریت دکتر عبدالقادر مبارک توانسته است به عنوان یکی از فعال‌ترین مراکز آموزشی

تشیع در نیجریه، اقدامات چشم‌گیری انجام دهد. از جمله این اقدامات ارائه مدرک تحصیلی معادل کارشناسی و معرفی طلاب نمونه به شعب مرکزی جامعه المصطفی در قم است. این دو مرکز علمی در کانو واقع شده‌اند (منصوری پارسا، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

در کنار آموزش، جمهوری اسلامی ایران اقدامات دیگری را نیز در دستور کار قرار داده است:

- تأسیس شرکت انتشاراتی التوحید که نشریاتی همچون پیام وحدت، هفته‌نامه تهران تایمز، ساکسون مسلمچی را در کارنامه خود دارد.
- چاپ و ترجمه کتاب‌هایی در زمینه آموزش قرآن و معارف، آشنایی با انقلاب اسلامی و اندیشه امام خمینی (ره)
- تشکیل کلاس‌های آموزش تحقیق در زمینه‌های متفاوت فرهنگی، مذهبی و اجتماعی
- کمک مادی به مدارس، دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها
- تأسیس انجمن دوستی ایران و نیجریه
- برگزاری مراسم ایام الله
- آموزش زبان فارسی
- حضور در نمایشگاه‌های کتاب
- برگزاری هفته فیلم
- اعزام شخصیت‌های مختلف به نیجریه (مرادی، ۱۳۹۱: ۱۹۱-۱۹۲)

نتیجه‌گیری

نیجریه به عنوان یکی از کشورهای مهم قاره آفریقا و منطقه غرب آفریقا بستر نفوذ مذهب تشیع و مکتب اهل بیت گشته است. مذهب تشیع، که با مهاجرت شیعیان لبنانی در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، وارد این منطقه شده بود، در پی پیروزی انقلاب اسلامی رونق بسیار یافت. انقلاب اسلامی ایران در کنار بیداری و خودآگاهی مسلمانان نیجریه، روند گرایش به تشیع را سرعت بخشید و شیعیان نیجریه را از یک اقلیت بسیار محدود به جمعیت چندمیلیونی فعال بدل ساخت. رهبران محلی نسخه طراحی شده در ایران را در جهت پوشش بخشیدن به مبارزه علیه فساد فزاینده و مادی‌گرایی بیش از حد تشکیلات سیاسی نیجریه ماهرانه به کار گرفتند. جمهوری اسلامی ایران نیز، در راستای

آرمان‌های انقلاب اسلامی، با اقداماتی نظیر پذیرش و تربیت طلاب، تأسیس مراکز آموزشی، اعزام مبلغ و ... نقش بسزایی در فرایند گرایش روز افزون شیعه در نیجریه داشته است. ولی در کنار همه اینها، فعالیت‌های کم نظیر شیخ ابراهیم زکراکی مهمترین عامل گسترش تشیع در نیجریه است. او با الهام از انقلاب اسلامی ایران و در سایه تلاش‌های همیشگی و خالصانه، جامعه اهل سنت نیجریه را با عقاید شیعه آشنا ساخت و مسلمانان با تطبیق معارف این مذهب با آنچه در قرآن و کتاب‌های حدیثی اهل سنت مطرح شده بود، به تشیع گرویدند. شیخ زکراکی کوشید مردم نیجریه را نه با زبان بلکه با اخلاق و زندگی بی‌آلایش میان توده‌های مردم، جذب تشیع و جنبش اسلامی کند. در سایه همین کوشش‌هاست که جمعیت شیعیان نیجریه امروزه ۱۲ میلیون نفر برآورد می‌شود؛ رقمی که از تعداد شیعیان در بسیاری از کشورهای منطقه غرب آسیا بیشتر است.

کتابنامه

۱. جعفریان، رسول (۱۳۸۷)، اطلس شیعه، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲. حسینی، سیدحمید (۱۳۹۵)، «وضعیت مسلمانان و شیعیان نیجریه از ظهور اسلام تا قبل از انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه نامه جامعه، شماره ۱۱۹، پاییز: ۹۳-۱۰۴.
۳. حسینی، سیده مطهره (۱۳۹۱)، «شیعیان و فرصت‌ها و چالش‌های حضور آنان در آفریقا»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان: ص ۱۰۷-۱۴۶.
۴. رسولی، نوید (۱۳۸۸)، «وضعیت مسلمانان در نیجریه»، پژوهشنامه آفریقا، سال اول، شماره چهارم، زمستان: ۱۱۳-۱۲۸.
۵. رسولی، نوید (۱۳۸۵)، نیجریه سرزمین زبان‌ها و قومیت‌ها، تهران: الهدی.
۶. سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، آفاق (۴۹): حوزه علمیه اهل‌البیت (مرکز آموزشی فرهنگی تقلین) نیجریه، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۷. شریفی عبدالمجید و عبدالله ناصری (۱۳۹۶)، اسلام: وحدت مبانی، کثرت ظهور (فصل‌هایی از جامعه‌شناسی تاریخی و فرهنگ اسلام)، تهران: نگاه معاصر.
۸. شکبیا، محمدرضا (۱۳۸۸)، سرزمین و مردم نیجریه، تهران: الهدی.

۹. عرب‌احمدی، امیربهرام. (۱۳۹۷)، شیخ ابراهیم یعقوب زاکراکی و نقش بنیادین او در شکل‌گیری و گسترش تشیع در نیجریه، تهران: نگارستان اندیشه.
۱۰. عمر موسی، محمد الثانی (۱۴۳۰)، «الشیعه فی نیجیریا؛ النشأه و الوسائل»، قراءات اسلامیه، العدد الرابع، الشوال: ۴۱-۵۰.
۱۱. قاسمی، مصطفی (۱۳۹۴)، گزارش نشست ربیع زاریا؛ وضعیت شناسی شیعیان نیجریه، تهران، اندیشه سازان نور، ۲۸/۱۰/۱۳۹۴.
۱۲. کردی، حمیدرضا (۱۳۹۴)، «شیعیان نیجریه؛ فرصت‌ها، تهدیدها، باورها»، فصلنامه پیام، ش ۱۱۶-۱۱۷، زمستان: ۱۱۰-۱۲۵.
۱۳. گامباری، ابراهیم، ای (۱۳۸۲)، «احیاگری اسلامی در نیجریه: درون‌زا یا برون‌زا»، انقلاب ایران و بازتاب‌های جهانی آن، جان. ال. اسپوزیتو، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۱۴. مادرشاهی، حسین (۱۳۹۴)، بررسی سبک رهبری و شیوه‌های تبلیغی آقای ابراهیم الزکراکی، تهران، پایان‌نامه دانشگاه امام صادق.
۱۵. محمدی، منوچهر (۱۳۸۸)، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، بازخوانی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر بیداری مسلمانان، به اهتمام سیدمهدی طاهری، قم، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.
۱۶. مرادی، وحید (۱۳۹۱)، بازتاب انقلاب اسلامی بر اسلام‌گرایی در نیجریه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع).
۱۷. منصوری پارسا، مستانه (۱۳۹۴)، بررسی اوضاع فرهنگی و اجتماعی شیعیان نیجریه پس از انقلاب اسلامی ایران، دانشگاه قم.
۱۸. نصیری، معصومه (۱۳۸۹)، جمهوری فدرال نیجریه، تهران، علمی و فرهنگی.

19. Bunza, U. M (2005), "The Iranian model of political Islamic movement in Nigeria (1979-2002)", In: *L'islam politique au sud du Sahara: Identités, Discours et Enjeux*, Edited by M. Gomez-Perez, Paris, Karthala, p. 227-241.

20. Casey, Conerly (2008), "Marginal Muslims: Politics and the Perceptual Bounds of Islamic Authenticity in Northern Nigeria", *Africa Today*, Vol. 54, No. 3, pp. 67-92.

21. Falola, Toyin (1998), *Violence in Nigeria: The Crisis of Religious*

- Politics and Secular Ideologies*, New York, University of Rochester Press.
22. Gruenbaum, Oren (2016), "Commonwealth Update", *The Round Table*, Vol. 15, No. 3 , pp. 243-249.
 23. Hamming, Tore Refslund (2014), *Diffusion of Islamic Discourse: Saudi and Iranian Influence in Lagos and Cape Town*, Paris, Sciencespo.
 24. Hassan, Ibrahim Haruna (2015), *An Introduction to Islamic Movements and Modes of Thought in Nigeria*.
 25. Kenny, Joseph (1996), " *Sharīa and Christianity in Nigeria: Islam and a 'Secular' State*", *Journal of Religion in Africa*, Vol. 26, No. 4 , pp. 338-364.
 26. Modibbo, Muhammad Sani Adam (2012), "Survey of Muslim Groups in Plateau State of Nigeria", *NRN Background Paper*, NO. 4 , pp. 1-20.
 27. Mustapha, Abdul Raufu (2014), *Sects & Social Disorder: Muslim Identities & Conflict in Northern Nigeria*, Suffolk, James Currey.
 28. Olaniyi, Rasheed Oyewole & Oluwasegun Michael Ajayi (2014), 'The lebanese in Ibadan, Nigeria, 1986-2012', *Journal of the Historical Society of Nigeria*, Vol. 23.
 29. Ousmane, Kane (2003), *Muslim Modernity in Postcolonial Nigeria: A Study of the Society for the Removal of Innovation and Reinstatement of Tradition*, Boston, Brill.
 30. Onapajo ,Hakeem (2017), "State Repression and Religious Conflict: The Perils of the State Clampdown on the Shi'a Minority in Nigeria", *Journal of Muslim Minority Affairs*, Mar, pp. 1-14.
 31. Pew Research Center (2012), *The World's Muslims: Unity and Diversity*, Pew Forum on Religion & Public Life.
 32. Sulaiman, Muhammad Dahiru (1993), "Shiaism and the Islamic Movement in Nigeria 1979-1991", In: *Islam et islamismes au sud du Sahara*, Edited by Ousmane Kane, Paris, Karthala, pp. 183-195.
 33. Tajudeen, Abu Bakir (1984), *The Muslim Student's Society Thirty Years After*, Ibadan, Islamic Book Center of UIMSS.
 34. Tsiga, Ismail A. & Abdalla U. Adamu (1997), *Islam and the History of Learning in Katsina*, Ibadan, Spectrum Books.
 35. Zenn, Jacob (2013), "The Islamic Movement and Iranian Intelligence Activities in Nigeria", *CTC Sentinel*, Vol. 6, No. 10, pp. 13-18.